

کامبوزیا پرتوی در بیمارستان بستری شد

کارگردان "کافه ترانزیت" به دلیل سکنه مغزی در بیمارستان بستری شد. آن‌طور که خبر آنلاین نوشته است، کامبوزیا پرتوی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس با سابقه به دلیل سکنه مغزی در آی‌سی‌یو بستری شد. مصطفی جلالی فخر در صفحه اینستاگرام خود درباره بستری شدن این سینماگر نوشت: متأسفانه با خبر

گفت‌وگوی جام‌جم با استاد محمد علی کشاورز به مناسبت تولدش

۹۰ سال است خوشبختم



فرخ: احسان نجفی

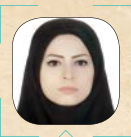
آقای کشاورز، چطور شد که به هنر و بازیگری علاقه‌مند شدید؟ آیا از اعضای خانواده‌تان کسی به هنر علاقه‌مند بود؟

من در خانواده‌ای به دنیا آمدم که پدرم اهل شعر و موسیقی بود. خاطرم هست که هر هفته جلسات مولاناخوانی داشتیم و منزل ما محل رفت و آمد بزرگان هنری بود. نه فقط در اصفهان که آن‌زمان محل زندگی مان بود، بلکه از شهرهای دیگر ایران هم می‌آمدند و در جلسات منزل ما شرکت می‌کردند. در دوران دبیرستان هم تئاتر و هم موسیقی کار می‌کردم و علاقه‌ام به هنر به قدری زیاد بود که با این‌که در رشته پزشکی قبول شدم، اما دیدم نمی‌توانم آن را ادامه دهم. با روحیات سازگار نبود، به همین خاطر انصراف دادم و هنر را ادامه دادم.

از تجربه همکاری‌تان با مرحوم علی حاتمی بگویید. فکر می‌کنم فیلم «مادر» در کارنامه کاری شما جایگاه ویژه‌ای دارد.

ببینید، من تمام کارهایی که با مرحوم علی حاتمی انجام دادم را خیلی دوست دارم که «مادر» از جمله آنهاست. علی واقعا انسان باسواد و فهمیده‌ای بود که متأسفانه خیلی زود از نعمت داشتن‌اش محروم شدیم. شما فیلم «دلشدگان» علی حاتمی را ببینید، در زمانی که موسیقی ممنوع بود آن فیلم ساخته شد و با وجود

شدم کامبوزیا پرتوی در "آی سی یو ویژه کرونا" در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری است. دقایقی قبل با همکارانم در آن مرکز صحبت کردم و گفتند دچار کاهش سطح هوشیاری در حد ۱۳ GCS شده و در حد یک کلمه، جواب سوال داده اند؛ و این یعنی در کم نیستند. با توجه به یک بار سکنه قلبی، شرایط بالینی نوشتن از محمدعلی کشاورز هم سخت است، هم آسان. مگر کسی که او را نشناسند. بازیگری با کوله‌باری از تجربه و نقش‌آفرینی ماندگار که به غیر هنر بازیگری، شرافت و بزرگواری‌اش هم همیشه یبازد خاص و عام بوده. تولدش بهانه‌ای شد تا با مدیر برنامه‌هایش که از کودکی با استاد بوده، موضوع گفت‌وگو را در میان بگذارم. گفت و گویی که اگر در شرایط کرونایی به سر نمی‌بردیم شکل و شمایل دیگری به خود می‌گرفت. مثل چند سال پیش با یک و شیرینی به منزل‌شان می‌رفتیم و از عشق و صفا و طراوت و زندگی‌شان یاد می‌گرفتیم. خلاصه که در این شرایط سخت، چاره‌ای جز سوال و جواب‌های اینترنتی نیست که با هزار دوندگی خوشبختانه این اتفاق افتاد. حالا شما هم مثل من با خواندن این گفت‌وگو متوجه می‌شوید که بزرگواری بی‌زبونی و درونی این اسطوره بازیگری تا چه اندازه محصول خانواده هنرمندی است که جلسات هفتگی مولاناخوانی در منزل‌شان برگزار می‌کردند و بزرگان هنرمندی که به آتجرافت و آمد داشتند. این روزها گرچه کشاورز به دلیل کهولت سن و بیماری از دنیای بازیگری کنار رفته، اما شمایل پرصلابتی که او با نقش‌هایش برای ما ترسیم کرده هیچ زمان از خاطرم‌ان محو نخواهد شد. با ورود به نودمین سال پربار زندگی‌اش هنوز که هنوز است خیلی از خاطرات کوچک و بزرگش را به یاد دارد و برای ما به شیرینی از گذشته‌های می‌گوید. تن‌شان سلامت و سایه‌شان مستدام باد.



ساناز قنبری

سینما

این که بخش‌های بسیاری از آن را حذف کردند، اما باز هم یکی از فیلم‌های ماندگار در هنر صنعت موسیقی ایران شد. کمتر کسی است که نداند شهرک سینمایی

را علی حاتمی با عشق و برای سینمای ایران بنا نهاد و خوب بود که نام خالق و سازنده‌اش علی حاتمی را داشته باشد و امروز همه آن را با نام شهرک حاتمی شناختند. من خودم شاهد مراحل ساخت این شهرک بودم که علی حاتمی چه زحمتی برای خشت خشت آنجا کشید. در صورتیکه می‌توانست آن پول را صرف استفاده شخصی کند، اما این کار را نکرد و کاری انجام داد ماندگار برای هنر این سرزمین.

در طول سال‌هایی که از عمر شما می‌گذرد قطعا با بعضی از اهالی هنر مناقشه‌هایی داشتید، اما همین که در این عرصه به شایستگی ماندگار شدید نشان از موفقیت‌تان دارد. راز موفقیت‌تان چیست؟

به نظرم بهتر است جواب شما را این‌طور بدهم که من همیشه عاشقانه کار کردم و روی تک تک نقش‌هایی که بازی می‌کردم



محمدعلی کشاورز:

علاقه‌ام به هنر به قدری زیاد بود که با این‌که در رشته پزشکی قبول شدم، اما دیدم نمی‌توانم آن را ادامه دهم. با روحیات سازگار نبود، به همین خاطر انصراف دادم و هنر را ادامه دادم

دشواری دارند که امیدواریم مثل بار قبیل بتوانند از پس بیماری‌شان بر آیند. همچنان پیگیر حالشان خواهیم بود و امیدوارم خبرهای خوبی به اطلاع دوستان برسانم. پرتوی نگارش فیلمنامه‌های موفق از جمله فراری به کارگردانی علیرضا داوودنژاد، محمد رسول ... به کارگردانی مجید مجیدی و ... را در کارنامه خود دارد. خودشان هستند.

در زندگی‌تان نوروزی عجیب‌تر و شاید ترسناک‌تر از نوروز ۹۹ به خاطر دارید؟

واقعا نوروز بسیار عجیبی داشتیم. قرار بود خترم که در اروپا زندگی می‌کند برای نوروز به ایران بیاید، ولی با این اتفاقات امکانش میسر نشد. عمیقاً نگران تک تک مردم خوب این مملکت و البته تمام دنیا هستم و امیدوارم هرچه زودتر راه نجاتی برای کل انسان‌ها پیدا شود. فرصت خوبی است که تشکر ویژه‌ای هم داشته باشم از تمام پزشکان، پرستاران و تمام کسانی که برای مقابله با این بیماری زحمت بسیاری می‌کنند. آرزوی سلامتی برای تمام هموطنانم دارم و امیدوارم همیشه سالم و سلامت باشم.

امروز به شروع ۹۰ سالگی احساس خوشبختی می‌کنید؟

بله خدا رو شکر از زندگی‌ای که کردم راضی هستم. ثمره سال‌ها زندگی ام تنها فرزندم هست که در اروپا در زمینه هنر انسان مطرح و شناخته شده‌ای است. دوستان خوبی داشتم و دارم. عاشقانه مردم و سرزمینم را دوست دارم و فکر می‌کنم خوشبختی در زندگی همین چیزهاست. من، هیچ‌وقت دنبال پول نبودم. چون اعتقاد داشتم پول خوشبختی نمی‌آورد، هرچند که بودنش برای زندگی راحت تر لازم است و من خیلی وقت‌ها این راحتی را نداشتم، اما در طول ۹۰ سال زندگی همیشه انسان خوشبختی بودم. ☺

چرا محمدعلی کشاورز کارنامه‌ای دست‌نیافتنی دارد؟



علی رستگار

سینما

محمدعلی کشاورز که امروز ۹۰ ساله می‌شود، کارنامه‌ای پرپرا، غبطنه‌برانگیز و دست‌نیافتنی دارد. اگر اندکی تردید دارید و آثارش را با فیلم و سریال‌های بازیگران بزرگ دیگر ایران به ویژه چهار هنرمندی جانشین همنسلیش «عزت‌ا... انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی و داود رشیدی» مقایسه می‌کنید، با خواندن این متن خیالتان راحت خواهد شد و هرگونه شک و شبهه را کنار می‌گذارید. چه خوشبختیم ما که کشاورز رشته‌های نقشه‌برداری (که در آن فارغ‌التحصیل شده بود) و پزشکی (که در دانشکده آن پذیرفته شده بود) را کنار گذاشت و بازیگری را انتخاب کرد.

نفس‌کش!

اگر کارنامه پرپرا کشاورز در تئاتر را کنار بگذاریم، او از همان نخستین گام سینمایی‌اش بدون ادعا و حاشیه، در بازیگری حریف طلبید و سرآخرو حالا که ۹۰ سالگی را نفس می‌کشد، هم نفس‌کشی و حریفی برایش پیدا نشد. پلاتشیه شخصیت محترم و دوست‌داشتنی کشاورز، این عرض‌اندام ناخواسته در بازیگری، کمی آدم را یاد درگیری شعبان استخوانی با لات‌های داخل میخانه در «هزارستان» و قدری‌های محمدابراهیم در «مادر» می‌اندازد. گرچه شاید کشاورز همچون عزت ا... انتظامی و علی نصیریان که چند نقش اصلی درست و حسابی و ماندگار در کارنامه دارند- مثل نقش مش‌حسن در گاو و نقش آقای‌هالو- نقش یکی در این حد و اندازه‌ها در سینما بازی نکرده باشد، اما پیش از آن چهار ستاره هم‌نسل و هم‌دوره‌اش و حتما دیگر بازیگران تاریخ سینمای ایران، در فیلم‌های کارگردان‌های بزرگ و تاثیرگذار در درجه یک بازی کرده است و از این نظر هیچ بازیگری احتمالا برای همیشه به گرد پای او هم نخواهد رسید؛ می‌گویید نه؟ ببینیم و بشماریم.

کشاورز، فعالیت سینمایی‌اش را با بازی در فیلمی از فرخ غفاری یکی از تاثیرگذارترین چهره‌های تاریخ سینمای ایران به نام «شب قوزی» شروع کرد. همکاری کشاورز با ابراهیم گلستان در «خشت و آینه» که او هم از چهره‌های بنام سینماست و دو فیلم داستانی بیشتر ندارد و عمده فعالیتش در زمینه سینمای مستند بود- باز هم در ابتدای سال‌های بازیگری در سینما. نه تنها جای پای او را در بازیگری تثبیت کرد، بلکه همان سرچراغی، به دلیل همکاری با غفاری و گلستان بار اعتباری خود را بیست، چون بعد از آن، خیلی از بازیگران، بخت و امکان بازی در فیلم‌های این دو فیلم‌ساز نخبه و گزیده‌کار را نیافتند. کشاورز بعد از گلستان هم با یک کارگردان بزرگ دیگر همکاری کرد، داریوش مهرجویی در «آقای‌هالو». گرچه در این فیلم، همه چیز در خدمت درخشش علی نصیریان در نقش اصلی بود، اما کشاورز و انتظامی هم، در نقش‌هایی مکمل خوش می‌درخشند.

دو همکاری بعدی کشاورز هم با دو کارگردان بنام دیگر است؛ اول بازی در نقش رئیس پاسگاه در «صادق کرده» به کارگردانی ناصر تقوایی و دومی هم بازی در نقش آقای مدیر در «رگبار» ساخته بهرام بیضایی. گرچه این دو فیلم به ترتیب روی کاکل سعیدراد و پرویز فنی زاده می‌چرخد، اما کشاورز هم به خوبی گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد.

اما کارگردان چهره و ماندگاری که کشاورز، بیش از بقیه با او همکاری کرد، علی حاتمی است. تجربه درخشان همکاری این دو در سریال هزارستان، باعث

نقشه‌بردار درجه یک نقش‌ها

بدهی جشنواره فجر

گرچه جشنواره فیلم فجر دو سال قبل، با اهدای سیمرغ بلورین به علی نصیریان، دینش را درباره این بازیگر بزرگ ادا کرد، اما احتمالا بدهی‌اش به محمدعلی کشاورز برای همیشه پابرجا خواهد ماند، چرا که این بازیگر هیچ‌گاه برای بازی‌های خوش طی این سال‌ها برنده سیمرغ بلورین نشد. جشنواره فیلم فجر تنها در سی و سومین دوره، بزرگداشتی برای کشاورز گرفت. کشاورز البته برای بازی درخشان‌ش در فیلم مادر، بخت دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را داشت و نامزد دریافت آن بود، اما در نهایت این اکبر عبدی، همبازی‌اش در مادر بود که این جایزه را به خانه برد.

از شعبون تا اسدا... خان

به جز بازی‌های خوب و ماندگار کشاورز در تئاتر و سینما، این بازیگر چند حضور خوب و نقش به‌یادماندنی تلویزیونی هم دارد. تماشاگران خیلی قدیمی، بازی او را در سریال آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی به یاد دارند. همچنین همکاری‌اش با ناصر تقوایی در صادق کرده منجر به حضورش در سریال دایی جان ناپلئون با نقش دایی جان سرهنگ شد. بازی در نقش خواجگار اعظم در افسانه سلطان و شبان (داریوش فرهنگ)، خواجه قشیری در سربداران (محمدعلی نجفی)، قاضی در گرگ‌ها (داوود میرباقری) و ... برخی دیگر از آثار ماندگار کشاورز در تلویزیون است.

اما قطعاً مشهورترین نقش‌های تلویزیونی‌اش، شعبان استخوانی در هزارستان و اسدا... در پدرسالار هستند.



ادامه رفافت در سینما شد و کشاورز در کمال الملک، جعفرخان از فرنگ برگشته، مادر و دلشدگان بازی کرد. حتما درخشان‌ترین حضور کشاورز در همکاری‌های سینمایی‌اش با حاتمی مربوط به بازی مقتدرانه‌اش در فیلم مادر و در نقش محمدابراهیم است. نقشی که البته بخشی از اهمیت و شکوه آن به صدایشگی منوچهر اسماعیلی برمی‌گردد. انکار این همه همکاری حسرت برانگیز برای کارنامه درجه یک کشاورز کافی نبود که او در همکاری با عباس کیارستمی در «زیر درختان زیتون»، تیر خلاص را برای جاودانگی آثارش زد. اگر از فیلم خاص و نامتعارف شیرین صرفنظر کنیم و بازی ژولیت بنوش در کیی برابر اصل را هم یک همکاری خارجی محسوب کنیم، هیچ بازیگر بزرگ و چهره‌ای، بخت حضور در آثار کیارستمی را نیافت و طبیعتاً پیدا هم نخواهد کرد، چون اساساً راه سینمای این کارگردان از سینمای بدنه و متعارف جدا بود و اعتقادی به استفاده از بازیگران چهره و سرشناس نداشت و کارش با نابازیگران یا به عبارت دیگر، بازیگران ناشناخته پیش می‌رفت. برای همین خبر حضور کشاورز در فیلمی از کیارستمی در زمان خودش، خیلی سروصدا به پا کرد و باعث تعجب اهالی و علاقه‌مندان سینما شد. کشاورز به قدری خوب و باورپذیر و هم اندازه نابازیگران ظاهر می‌شود که بازی‌اش به یکی از نقاط قوت فیلم تبدیل می‌شود. فیلم اصلاً با او شروع می‌شود که رو به دوربین می‌گوید: «من محمدعلی کشاورز هستم، بازیگر، که در این فیلم نقش کارگردان رو بازی می‌کنم.» به جز اینها، کشاورز همکاری با کارگردان‌های شناخته شده‌ای چون ایرج قادری، رخشان بنی اعتماد، محسن مخملباف، مسعود جعفری جوزانی، رسول ملاقلی‌پور، سیدضیاءالدین دری و بهروز افخمی را هم در کارنامه دارد.

چای خوری با آنتونی کوئین

اسب سواری با ماکس فون سیدو

سال‌ها قبل از این که شاهد حضور پررنگ‌تر بازیگران ایرانی در فیلم‌های خارجی باشیم، محمدعلی کشاورز، برای خودش یک لژیونر بود و به عنوان یکی از نماینده‌های سینمای ایران در فیلم‌های خارجی بازی می‌کرد. البته او به‌طرز جالبی تنها در ایران، لژیونر بود و در فیلم‌هایی حضور می‌یافت که خارجی‌ها در قالب تولیدات مشترک در ایران می‌ساختند. البته نقش‌های کشاورز در دو فیلم خارجی که در آنها حضور داشت، ویژه و برجسته نبود، اما به هرحال همبازی شدن با بازیگران بزرگی چون آنتونی کوئین و ماکس فون سیدو، دستاورد کمی نیست و در این زمینه هم دیگر بازیگران ایرانی، امکان این تجربه هیجان‌انگیز را ندارند.

کشاورز در فیلم ایتالیایی صحرای تاتارها به کارگردانی والریو زورلینی که - انبوهی بازیگر سرشناس وقت سینمای جهان در آن بازی می‌کردند- از ماکس فون سیدو و ژاک پرن تا وینوکیو گاسمن و جولیانو جما، نقش یک گماشته را بازی می‌کرد؛ نقشی که شاید در شان کشاورز و کارنامه پرپرا تئاتری و سینمایی‌اش نبود و بیشتر می‌توان به عنوان یک یادگاری جالب سینمایی به آن نگاه کرد. اسم کشاورز حتی در عنوان بندی پایانی فیلم هم نیامده است. نقشی که کشاورز در سکانس‌های اولیه فیلم بازی می‌کند، در کتاب بیابان تاتارها نوشته دینو بوتزاتی و ترجمه سروش حبیبی وجود ندارد و شاید تهیه‌کنندگی بهمن فرمان آرا نقشی در ایجاد آن در قسه و بازی کشاورز داشت. به هرحال کشاورز در صحنه‌های کوتاهی به عنوان گماشته سروان اورتیس (ماکس فون سیدو) حاضر می‌شود و بعد از کمی سوارکاری و همراهی با او، لیوان آبی دست او و دروگو (ژاک پرن) می‌دهد و تکه ریگ را هم از سم اسب دروگو درمی‌آورد؛ اما ظاهراً کشاورز مشکلاتی هم با اسبی که سوار آن بود، داشت، در صحنه پس گرفتن لیوان از دروگو و قراردادن آن در خورجین، می‌توان به این دشواری پی برد. نکته جالب و قابل اشاره، نزدیکی تاریخ تولد‌های کشاورز و ماکس فون سیدوست، کشاورز متولد ۲۶ فروردین است و در هشتم مارس ۲۴ به سالگی از دنیا رفت. درحالی‌که استاد کشاورز ما امروز به ۹۰ سالگی قدم گذاشته است، عمرش دراز با داد حضور کشاورز اما در فیلم کاروان‌ها ساخته جیمز فارگو، پررنگ‌تر بود و در نقش شکور، بازی مقتدرانه‌ای داشت. هرچند فیلم کاروان‌ها ارزش و اعتبار هنری نداشت و به نسبت صحرای تاتارها، اهمیت بسیار اندکی داشت. کشاورز هفتمین بازیگری است که اسمش در عنوان بندی اول فیلم می‌آید. او چند سکانس خوب و درست و حسابی هم با آنتونی کوئین در نقش ذوالفقار دارد و همبازی شدن این دو، به‌ویژه برای ما ایرانی‌های علاقه‌مند به سینما دوست داشتنی و خاطره‌انگیز است. چای خوردن این دو بازیگر برجسته یکی از صحنه‌های ویژه و قابل اشاره است.



یادگاری استاد در «صحرای تاتارها»